

مرد کار دیده یا دورهمی مردانه

درباره هجمه‌های بی سابقه علیه معاون هنری وزیر ارشاد



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

معاونت هنری وزارت ارشاد شاید زمانی معاونت مهمی بود، امروز نه، نه فقط این معاونت که «کلیت» وزارت ارشاد امروز زیر سوال رفته است، دیگر کتابی لنگ سانسور نمی‌ماند، دیگر کمتر فیلمی به‌دلیل پروانه ساخت و نمایش، تولید و پخش نمی‌شود. تئاترها در پلاتوهای جمع‌وجور شخصی اجرا می‌شود، موسیقی زنده هم در جاهای مختلف، در این میان آنها که هنوز با سازوکار تنظیم‌گری وزارت فرهنگ کنار می‌آینددلائل خاص خود را دارند اما همان‌ها هم می‌دانند درنهایت ناچار نیستند و می‌توانند به گزینه‌های بدیل فکر کنند. گزینه‌هایی که دیگر نیاز به دودین در راهروهای ارشاد و هیچ نهاد دیگری نباشد. سیدعباس صالحی‌وقتی که تصدی‌گری وزارت ارشاد را قبول کرد حتماً که اینها را می‌دانست. عمل‌اش هم‌شان داده در این یک‌سالی که از وزارت‌اش می‌گذرد با شیبی ملایم و البته بی‌سروصدا انگار تلاش کرده که آشتی میان اهالی فرهنگ و هنر و مجراهای رسمی برقرار کند. ما از معدود کشورهایی هستیم که چنین گسستی بین ساخت‌سیاسی و جامعه‌هنری‌مان وجود دارد. درست است که در بیشتر کشورهای جهان، دولت در فرهنگ و هنر مستقیم دخالت نمی‌کند ولی تعارض اساسی هم با یکدیگر ندارند. تعارضی که درنهایت کلیت فرهنگ یک کشور بزرگترین متضرر آن خواهد بود. باری، درمیان معاونان وزیر فرهنگ، نادره رضایی، معاون هنری، که به‌جز سینما، تقریباً همه هنرهاذیل معاونت اوقرار می‌گیرد، با روحیه‌ونگرشی که داشت سعی کرد این آشتی را گسترده‌تر کند. نام اودر این ۱۰ ماهی که معاون شده است باسامد بسیار بالایی شنیده می‌شود. از همان ابتدا که مخالفان بسیار زیادی در طیف تندرو داشت تا به همین امروز، بعضی اوقات نام‌اش برای کارهایی که‌ذیل نهادهای تحت‌نظر معاونت اوست، شنیده می‌شود. مثلاًنمایشگاه‌هایی که در موزه هنرهای معاصر برگزار شد و مردم را با کارهای سترگ جهان و ایران آشنا کرد. یا یادآوری نام بزرگان موسیقی در جشنواره موسیقی‌سال پیش که باعث اعتراض آنان و جواب معقول نادره رضایی شد. بعضی اوقات هم که هیچ خبری از او نیست، فیش حقوقی‌اش را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذارد و تلاش می‌کند توده مردم‌را علیه او خشمگین کنند. امروز هم که از بدنه خود دولت چهاردهم که پیش‌تر در خفا مشغول حذف این زن بودند، آشکارا وزیر را به‌خطر او در تنگنا می‌گذارند. آنها که برگزاری کنسرت همایون شجریان را کاری خوب و بزرگ می‌دانستند اما برگزار نشدنش راقتصیر نادره رضایی! چه‌مواقف برگزاری این کنسرت بودیم‌یا نبودیم، کیست که نداند که همه ایده این اجراء در دولت فقط کار معاون هنری بود. او که از پیش‌ترها به سبک وفاق در یک جلسه عجیب، همایون شجریان را با خسروپناه به سر یک‌میز آورده بود. حال سوال از این مردان کار دیده این است که اگر شما هم موافق برگزاری این کنسرت بوده‌اید و این ایده، چرا تابه‌حال هیچ سخنی نگفتید؟ آن‌زمان که نادره رضایی وسط جنگ، علی قصصری و دیگران را به میدان آزادی آورد تا به مردم بگوید در این شهر جز جنگ خبرهای دیگری هم هست، کجا بودید؟ اصلاً شما مردان کار دیده آن‌زمان حتی در تهران اقامت داشتید؟ پرسش مهم‌تر، شما کارنامه‌تان چیست؟ کدام سفره را برای این مردم پهن کردید که معلوم شود به‌قول خودتان چندمرده حلاجید؟ چطور در همین وزارتخانه تخلف واضح شکل گرفت، موسسه تاسیس کردند، خودشان با خودشان قرارداد بستند و در همان میدان آزادی یک‌کشب‌برنامه با ۲۳ میلیارد برای خودشان فاکتور کردند، یک کدام از مردان کار دیده نگفت که رفا، مگر بیت‌المال مال دزدیست که چنین به‌ثمن پخس به یکدیگر می‌بخشید؟ چطور یکی از همین مردان کار دیده شورای اطلاع‌رسانی، مردانگی (در ادبیات خودشان) نمی‌کند بگوید قراردادهای میلیاردی میان ارگان‌های دولتی و رسانه‌های خودتان ننبدید. مردم از دیدن همین چیزهاست وقتی اسم وفاق و اصلاحات که می‌آید کپیر می‌زنند. چطور هیچ کدام‌تان متعرض آنجاهایی که نماد ناکارآمدی در دولت است، نمی‌شوید؟ چطور همه توش و توان‌تان را هم کلام با تندروترین‌های داخل و خارج روی کسی گذاشته‌اید که ارضنا دنبال راه میانه‌ای است و درست و غلط کارنامه‌اش لااقل پراکتر از همه بوده است؟ نقد کارنامه نادره رضایی و اینکه کارهایی که کرده یا نکرده چه تأثیری بر هنر ایران دارد، سخن است و کار اهالی آن. اما اینکه این حمله‌های نظاممند از یمین و یسار علیه او انجام شود، سخن دیگر است. کلام آنها این حس را می‌دهد که انگار این زن مزاحم دورهمی مردانه ما هم برود و مرد کار دیده‌ای چون خودمان بیاید.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۲۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۲۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: مهر

بحران خود ساختہ‌ی زترال

درباره **امیر قلعه نویی** که حضور در جام کافا هم برای او سبب خیر نشد



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

تیم ملی فوتبال ایران در آخرین دیدار خود قبل از رسیدن به فینال جام کافا برابر تاجیکستان، نمایشی دور از انتظار داشت؛ نتیجه‌ای که بار دیگر پرسش‌های جدی درباره کیفیت فنی و تاکتیکی شاگردان امیر قلعه‌نویی را پیش کشیده است. ایران که همواره در جمع قدرت‌های برتر فوتبال آسیا جای داشته، در ماه‌های اخیر نتهنها از لحاظ نتیجه‌گیری، بلکه از نظر شیوه بازی نیز مورد انتقاد جدی قرار گرفته است. آمار ۱۱ گل خورده در ۱۰ مسابقه اخیر، نشانه‌ای روشن از ضعف ساختاری در خطدفاعی است؛ ضعفی که برابر تیم‌هایی چون قطر، ازبکستان، افغانستان، قرقیزستان و حالا تاجیکستان آشکارتر از همیشه، خود را نشان داده است. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که تیم ملی ایران در دوران فعلی، هویت تاکتیکی مشخصی ندارد و بیش از هر زمان دیگری در معرض بحران قرار گرفته است. ناکامی مقابل تاجیکستان، اگر چه از نگاه برخی یک لغزش ساده تلقی می‌شود، اما از دید کارشناسان، نشانه‌ای جدی از افول یک تیم پرستاره است.

▼ بحران در ساختار دفاعی

یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد به تیم ملی ایران در دوران سرمربیگری امیر قلعه‌نویی، ضعف آشکار در سیستم دفاعی است. ایران طی سال‌های اخیر همواره مدافعانی مستحکم در اختیار داشته؛ از روزگار کریم باقری، مهدی مهدوی کیا، زینچه و پیروانی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ گرفته تا نسل جدیدی چون حسین کنعانی‌زادگان و مرتضی پورعلی‌گنجی. اما آنچه امروز بیش از هر چیز به چشم می‌آید، فقدان هماهنگی در خطدفاع و ناتوانی در سازماندهی بازیکنان است. آمار می‌گوید، ایران در ۱۰ دیدار اخیر ۱۱ گل دریافت کرده؛ آماري که برای تیمی در سطح ایران، با آن همه تجربه بین‌المللی، به‌هیچ‌وجه قابل قبول نیست. نکته نگران کننده آن است که این گل‌ها تنها از سوی قدرت‌های سنتی آسیا دریافت نشده، بلکه تیم‌هایی چون افغانستان، قرقیزستان و تاجیکستان نیز موفق به بازکردن دروازه ایران شده‌اند. چنین شرایطی نشان می‌دهد، مشکل تیم ملی صرفاً در کیفیت فردی مدافعان خلاصه نمی‌شود، بلکه ریشه در ساختار کلی دفاعی و شیوه بازی تیم دارد.

▼ سبک بازی مبهم و بدون هویت

تیم ملی ایران در سال‌های گذشته، چه در دوران کارلوس کی‌روش و چه حتی در مقاطع کوتاه با مربیانی مانند ویلموتس، دست‌کم از یک شاکله تاکتیکی روشن بر خوردار بود. دفاع مستحکم، استفاده از ضدحمله‌ات سریع و تکیه بر بازیکنانی از طامری و آزمون برای ضربات نهایی، هویت مشخص تیم ملی بود. اما در دوران امیر قلعه‌نویی این هویت به وضوح کمرنگ شده است. ایران نه در مالکیت توپ تیم برتری نشان می‌دهد، نه در ضدمحله‌ها کشنده ظاهر می‌شود و نه حتی در پرسینگ از جلو ساختار سازمان‌یافته‌ای دارد. برابر تاجیکستان، تیم ملی مالکیت توپ را دقایق زیادی در اختیار داشت اما این مالکیت به‌ندرت منجر به موقعیت خطرناک شد. پاسکاری‌های بی هدف در میانه میدان، ارسال‌های بی حاصل از کناره‌ها و نبود طرح مشخص برای عبور از دفاع متراکم حریف، تصویری بود که بارها تکرار شد. چنین سبک بازی مبهمی موجب‌بنده حتی هواداران قدیمی تیم ملی نیز نسبت به آینده ناامید شدند.

▼ انتقاد رسانه‌ها و کارشناسان

طبیعی بود که شکست یا تساوی ناامیدکننده برابر تیم‌هایی مانند

تاجیکستان، موجی از انتقادها را به همراه داشته باشد. بسیاری از کارشناسان ورزشی در رسانه‌های داخلی تاکید کرده‌اند که تیم ملی ایران با این سبک بازی، نمی‌تواند در سطح قاره آسیا مدعی جدی باشد. اصغر مازیار، کارشناس قدیمی و بر جسته فوتبال، بعد از تساوی ناامیدکننده مقابل تاجیکستان گفت، مناسفانه خلاقیت در تیم ملی وجود ندارد و حالا هرتیمی با هر کیفیتی می‌تواند دروازه ایران را باز کند. ازطرف دیگر مازیار معتقد است، اگر بخواهیم با همین سبک پیش برویم زنگ تفریح رقبا در جام جهانی خواهیم شد. بازی نکردن با تیم‌های قدرت‌مند باعث بی‌انگیزگی بازیکنان شده و عملاً با چنین تدبیری یکی از فیفادی‌های مهم فوتبال ایران از دست رفت. تا پیش از شروع جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا، فقط ۳ فیفادی باقی مانده که یکی از آن‌ها متاسفانه در بهترین زمان ممکن از دست رفت.

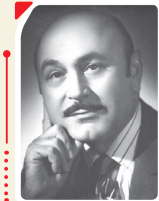
▼ آینده‌ای پرابهام برای تیم ملی

ناکامی برابر تاجیکستان تنها یک نتیجه ضعیف نیست، بلکه هشدار ی جدی برای آینده فوتبال ملی ایران است. تیم ملی در آستانه رقابت‌های حساس انتخابی جام جهانی قرار دارد و چنین لغزش‌هایی می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری داشته باشد. بازیکنانی مانند مهدی طارمی، سردار آزمون و علیرضا جهانبخش در سال‌های پایانی دوران اوج خود هستند و فرصت حضور در جام جهانی برای آن‌هایی تکرار خواهد بود. اگر تیم ملی با چنین ساختار متزلزلی وارد مر حله مقدماتی شود، نتهنها شانس موفقیت‌اش کاهش می‌یابد، بلکه حتی احتمال از دست رفتن شانس صعود به دور حذفی، با وجود ۴۸ تیمی شدن این رقابت‌ها را از دست خواهد داد. عده‌ای از کارشناسان معتقدند که ادامه همکاری با قلعه‌نویی در چنین شرایطی ریسک بزرگی است و تغییر در کادرفنی می‌تواند تنها راه برون‌رفت از بحران باشد. آنچه از گوشه و کنار شنیده می‌شود، برخی بازیکنان با تغییر کادرفنی موافقت خود را اعلام کرده‌اند همانطور که همین بازیکنان، خواستار اخراج اسکوپچ شیده بودند. البته باید بررسی شود در این شرایط منطقه که طبعاً هر مربی خارج‌ای تمایل به حضور در فوتبال ایران ندارد و البته کمتر از ۱۰ ماه دیگر جام جهانی آغاز خواهد شد، کدام مربی خارجی می‌تواند به ایران کیفیتی را بدهد که از شرایط کنونی خارج و به سطحی از رقابت و مبارزه برسند که بدون ترس، مقابل تیم‌های متوسط و مطرح دنیای فوتبال قرار بگیریم. در حال حاضر با حضور در جام کافا بسیاری از بازیکنان انگیزه کافی برای مبارزه با پیراهن تیم ملی را نداشتند و این همان موضوعی بود که به گوش امیر قلعه نویی نیز رسید که اتفاقاً با تعویض‌هایی که کرد باعث شد تیم ملی بازی دو بر صفر برده را با تساوی دو بر دو عوض کند چون بسیاری از همین بازیکنان نمی‌خواهند به واسطه حضور در جام کافا و تقابل با تیم‌های درجه سه و چهار دچار مصدومیت شوند و بازی‌های باشگاهی معتبر را از دست دهند. آنچه مشخص است اینکه برای اولین‌بار به‌شکل جدی زمزمه‌های تغییر کادرفنی شنیده شده، اما به‌صورت رسمی در مورد آن هنوز صحبت نشده است.

تیم ملی ایران این روزها با بحرانی جدی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ بحرانی که ریشه در ضعف ساختاری دفاعی، سبک بازی مبهم و نبود هویت تاکتیکی دارد. نتیجه ناامیدکننده برابر تاجیکستان، نه یک اتفاق گذرا، بلکه نمادی از مشکلات عمیق‌تر تیم ملی است. اگر چه بازیکنان ایران از نظر فردی در سطح بالایی در قاره آسیا قرار دارند و یکی، دو بازیکن هم در لیگ‌های اروپایی بازی می‌کنند، اما این توان فردی در قالب یک تیم منسجم نمود پیدا نکرده است. برای بازگشت به مسیر موفقیت، تیم ملی نیازمند تغییرات اساسی است؛ تغییراتی که ممکن است از کادرفنی آغاز شود. در غیر این صورت، تیم ملی ایران در مسیر رقابت‌های بین‌المللی نتهنها شانس قهرمانی در آسیا را طی سال‌های آتی، بار دیگر از دست خواهد داد، بلکه حتی موفقیت نسبی در جام جهانی نیز در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت. دلسوزی مطلق است اگر بگوییم، بار کج به منزل نمی‌رسد.

چهره

معمار تندیس‌گرای ایرانی



امروز پانزدهم شهریورماه، چهلمین سالمرگ حیدر قلی‌خان غیاپی شاملو است؛ معمار بر جسته و یکی از پیشگامان معماری نوین ایران که نام‌اش بیش از هر چیز با ساختمان قدیم مجلس شورای اسلامی گره خورده است. غیاپی سی‌ام مهرماه ۱۳۰۱ در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستان، رشته معماری را در دانشگاه تهران به پایان برد و پس از آن از مدرسه هنرهای زیبای پاریس مدرک گرفت. غیاپی در سال ۱۳۳۱ به ایران بازگشت و دفتر معماری خود را تأسیس کرد. با اندیشه‌های مدرن و دانش گسترده، به‌سرعت به جایگاهی ویژه در معماری کشور دست یافت و حتی به‌عنوان مشاور معماری دربار پهلوی انتخاب شد. اهمیت غیاپی در طراحی و اجرای پروژه‌های بزرگ و تأثیرگذاری است که بخشی مهم از هویت‌بصری دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ شمسی را شکل دادند. او بناهای زیادی را طراحی کرده که از میان‌شان هتل استقلال (هیلتون)، بیمارستان لوزیران، ایستگاه‌های راه‌آهن مشهد و تبریز، سینما مولن‌روژ و رادیوسیتی است.سبک غیاپی، ترکیبی از مدرنیسم و تندیس‌گرایی بود که در آن، سطوح ساده و هندسی با عناصری بومی و تزئینی درهم‌می‌آمیختند. غیاپی چندین نسل از معماران آینده را نیز تربیت کرد به‌طوری‌که حسین امانت و عبدالعزیز فرمانفرمائیان، از شاگردان او بوده‌اند. این معمار معروف ۱۵ شهریورماه ۱۳۶۴ در شهر آنتیپ فرانسه درگذشت.

کتابخانه

جمهوری اسلامی در دادگاه‌های غربی

براساس قاعده عام مصونیت دولت، هر دولتی متعهد است از اعمال صلاحیت قضایی بر اعمال و اموال سایر دولت‌ها اجتناب کند. در دکترین و رویه قضایی، مصونیت دولت غالباً به‌عنوان تجلی اصل برابری دولت‌ها تلقی شده است. مطابق این دیدگاه هر دولتی، به‌دلیل برابری خود با دولت‌های دیگر، باید از اعمال صلاحیت سرزمینی انحصاری خود در پرونده‌ای که در آن دولت دیگر، خواننده دعوی قرار گرفته است، اجتناب کند. کتاب «آموزه مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل»، نوشته اسدالله نوری همین قاعده را مبنای بررسی وضعیتی قرار داده است که در دهه‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران در دادگاه‌های داخلی کشورهای غربی، مورددعوی اشخاص حقیقی یا حقوقی قرار گرفته است. بدین ترتیب نویسنده قصد دارد به این سوال جواب بدهد که محاکم مزبور صلاحیت خواننده قراردادان دولت ایران و اعمال اقتدار بر او را دارند یا نه؟ اهمیت این جواب‌وقتی مشخص می‌شود که درایتم‌پرورنده‌های بسیار سنگین و چندین میلیاردلاری دراین زمینه وجود داشته است.



نام کتاب: آموزه

مصونیت دولت‌ها

در حقوق بین‌الملل

نویسنده:

اسدالله نوری

انتشارات: نشر نی

تاریخ

تاسیس سازمان مجاهدین خلق

یکی از سازمان‌های سیاسی و مخفی دوران پهلوی را رویکرد مذهبی، سازمان مجاهدین خلق بود که در ۱۵ شهریورماه ۱۳۴۴ تشکیل شد. اعضای اصلی این سازمان، جوانان مسلمانی بودند که هدف‌شان مبارزه علیه حکومت باطردهرگونه خط‌مشی مسالمت‌آمیز و انتخادرش مسلحانه‌بود. بنیان‌گذاران آن محمدحنیف‌نژاد، سعیدمحسن و عبدالرضانیکبین بودند. بر اثر ضربه‌ای که در سال ۱۳۵۰ از طرف ساواک به سازمان وارد شد، رهبران اصلی آن اعدام شدند و با نفوذ افراد مارکسیست در کادر رهبری، آنان به این جمع‌بندی رسیدند که دین اسلام جوابگوی اهداف سازمان برای عملیات چریکی و مسلحانه نیست. آنان با اذعان به اینکه مارکسیسم می‌تواند جایگزین ایدئولوژی اسلامی شود، از اسلام به‌سمت مارکسیسم تغییر ایدئولوژی دادند و دچار اشعاب‌فکری شدند. درپی این اتفاق، هم گروه‌های مذهبی از جمله روحانیت از سازمان قطع حمایت کردند و هم افراد مذهبی سازمان مانند سیدمجید شریف‌واقفی از گروه مارکسیستی جدا شدند و به شیوه‌های گوناگون با سازمان مخالفت کردند. بخش مارکسیستی البته‌بعدتر تسلط‌اش را از دست داد اما در مقابل بعد از انقلاب این سازمان با ادامه‌مشی مسلحانه خود به مخالفت با جمهوری اسلامی پرداخت و در داخل کشور دست به ترور تعداد زیادی ازمسئولین و شهروندان عادی زد و پس از خروج ازکشور درکنار صدام در جنگ علیه‌ایران مشارکت کرد.

